

جوانان کمونیست

۴۰۵

12 خرداد 1388

2 ژوئن 2009



www.cyoiran.com

سازمان جوانان حزب کمونیست کارگری ایران

آینده از آن ماست!

سه شنبه ها منتشر می شود

پلنوم ۳۲، دور جدیدی از حیات حزب

نوید مینائی



همانطور که از تعداد صفحات این شماره پیداست، هفته گذشته پلنوم کمیته مرکزی حزب برگزار شد. این تقریباً رسم شده که بعد از هر پلنوم تعداد صفحات نشریه کم می شود چرا که یا تازه از راه رسیده ایم و فرصتی برای تهیه مطالب نشریه نیست یا تازه از تدارکات پلنوم فارغ شده ایم و نمی رسیم مطالبی که رسیده را آماده کنیم و به نشریه برسانیم.

پلنوم ۳۲ حزب روزهای ۳۰ و ۳۱ ماه می برگزار شد، این پلنوم شاید یکی از مهم ترین پلنوم های حیات حزب به شمار آید. قطعاً این اهمیت در قطعنامه هایست که در پلنوم مطرح و به تصویب رسیده است و پاسخ نیاز مبارزات این مرحله از مبارزات حزب و جامعه هستند و همچنین سمینارهایی که در جوار پلنوم برگزار می شوند.

در پلنوم ۳۲ دو قطعنامه طرح و به اتفاق آراء به تصویب رسیدند که هر کدام پاسخ ما و وظایف ما به شرایط

ادامه صفحه 2

ایران، تعدادی از مخالفان رژیم

ادامه صفحه 4



بلوک قدرت تقسیم کار نمودند، عده ای طرفدار یک جناح شده اند و عده دیگر هم طرفدار جناح دیگر؛ تا تحت یک مهندسی افکار، مردم را به پای صندوق های رای بکشاند و تأییدیه جنایات و چپاول میلیاری و مشروعیت حکومت استبدادی خود را از مردم بگیرند. جامعه را به چالش می کشند که چه کسی بیاید که حداقل ها حاصل گردد. جوانان

ادامه صفحه 3

که بعد از این اتفاقات به سمت حزب صورت گرفت. بالا گرفتن اعتراضات در جامعه انتظارات خود مردم از ما را بالا میبرد و از این به بعد عکس عملهای سریع تر و ضربت تری از ما میطلبد. اگر به نوعی تا به حال یکی از مهم ترین مشغولیتها و دغدغه های حزب چگونگی روی آوری مردم به حزب بود (که امروز هم هست) امروز این روی آوری در سطح

ادامه صفحه 2

جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده!

هادی وقتی-کانادا

دستگیر شدگان آزاد شدند؛ اما تعداد دیگری همچنان در زندانند و بر اساس گزارشهای رسیده تحت شکنجه های شدید قرار دارند و شکنجه گران از آنها خواسته اند تا به اتهامات واهی اعتراف کنند!

به همین مناسبت و در پاسخ به فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران (واحد شرق کانادا) و "کارزار پشتیبانی از مبارزات کارگری در

رژیم اسلامی در روز اول ماه "مه" به تجمع کارگران و مردمی که به فراخوان تشکلهای کارگری پاسخ داده و در پارک "لاله" تهران جمع شده بودند، هجوم برد و حدود یکصد و هفتاد نفر را (هر چند هیچگاه از تعداد دستگیر شدگان آمار دقیقی ارائه نشد) دستگیر کرد. در یک پروسه نفس گیر، تعدادی از این

مانند رقابت جناح چپ حزب نازی با جناح راست آن حزب است. وابستگان

پاسخ به سبزهها

دامون - تهران



به نظر می رسد مضحکه انتخابات رژیم جنایتکار آخوندی با حمایت رسانه های داخلی و خارجی به میدان رقابت واقعی میان کاندیداها تبدیل شده است! جدای از این نکته که همه کاندیداها مهره های یک سیستم یا یک بلوک قدرت هستند و رقابت میان آنان

پلنوم ۳۲ حزب کمونیست کارگری ایران

شنبه و یکشنبه هفته گذشته سی و دومین پلنوم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد. سمیناری نیز در حاشیه پلنوم با مضمون فعالیت های حزب در خارج از کشور جریان داشت. اسناد این پلنوم به زودی منتشر خواهد شد و همه شما را دعوت به مطالعه و خواندنش میکنم. اما مضمون کلی پلنوم در ادامه پلنوم

شنبه و یکشنبه هفته گذشته سی و دومین پلنوم حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد. سمیناری نیز در حاشیه پلنوم با مضمون فعالیت های حزب در خارج از کشور جریان داشت. اسناد این پلنوم به زودی منتشر خواهد شد و همه شما را دعوت به مطالعه و خواندنش میکنم. اما مضمون کلی پلنوم در ادامه پلنوم

ایلیا تابش



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پلنوم ۳۲، دور جدیدی از حیات حزب

امروز حزب و جامعه ایران هستند. این پلنوم با در نظر گرفتن شرایط امروز حزب و جامعه ایران و از طرفی موقعیت جمهوری اسلامی ارکان مهم استراتژی شکل دهی به انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم را با تصمیماتش توضیح داد. این، نشان دهنده نقش و جایگاه حزب در مبارزات روزمره مردم ایران است که حزب باید امروز خود را به عنوان نماینده، نیروی رهبری کننده و حزبی که می تواند و می خواهد قدرت سیاسی را بگیرد و به عنوان دولت آتی ظاهر شود، حزبی که باید هم در سطح ایران و هم در سطح بین المللی مبارزات مردم را معرفی و رهبری کند. حزب امروز در این جایگاه است و راه برگشت ندارد و باید با سیاست هایش این راه را تا آخر برود.

در ایران امروز شرایط کاملا برای انقلاب محیا است. جمهوری اسلامی ناتوان است و علاوه بر این مردم آن را نمی خواهند و این وسط نقش رهبری کننده و حزبی که مردم در ناصیه آن قدرت تصرف دولت را ببینند بسیار مهم و حیاتی است. پلنوم نه تنها این موقعیت را بررسی و تدقیق کرد، بلکه وظایف دور آتی حزب را برای رسیدن به چنین موقعیتی که حزب کاملا قابلیت و موقعیت آن را دارد به طور واضحی در مقابل ما گذاشت. پلنوم بر این نکته تاکید کرد که امروز شناخته شدن اجتماعی حزب به عنوان دولت آتی در سطح داخلی و بین المللی برای وقوع انقلاب شرط لازم و اساسی است.

این موقعیت جدید و وظایفی که حزب در مقابل خود گذاشت دور جدیدی از حیات سیاسی - اجتماعی حزب را آغاز می کند و بر همه عرصه های فعالیت حزب تاثیر گذار است هم در سطح کار و فعالیت حزب در ایران و

هم در سطح جهانی. حزب باید در همه این سطوح نمایندگی خود را از مبارزات مردم در ایران نشان دهد، باید نشان دهد هم نماینده این مطالبات است هم می تواند به عنوان دولت آتی چنین مطالباتی را برآورده کند.

تغییر سیاست های آمریکا و موقعیت آن در سطح بین المللی و روابط و مناسبات جدید که به خصوص بین ایران و آمریکا برقرار شده است موضوع دیگری بود که در پلنوم مطرح شد. این بحث روابط و برخوردهای او با ما با جمهوری اسلامی را توضیح می دهد و همچنین وظایف ما به عنوان پاسخ به شرایط موجود را نشان می دهد. مبارزه با اسلام سیاسی و در راس آن جمهوری اسلامی امروز بیش از هر روز دیگر به عهده ماست. باید

مماشات و سازش میان دولت های غربی با ایران، که امروز به سیاست غالب آمریکا تبدیل شده است را افشا کرد و صف متحد و عظیمی را علیه آن سازمان داد. این سازش حاصل شکست آمریکا و به خصوص شکست سیاست های نئوکسنواستیستی است. آمریکا موقعیت گذشته را ندارد و می خواهد از طریق رام کردن جمهوری اسلامی در منطقه برای خود شرکایی پیدا کند. از طرفی جمهوری اسلامی برای سر و سامان دادن به وضعیت بحرانی لازم دارد با آمریکا مناسبات بهتری داشته باشد ولی با هر گونه سازش با آمریکا موقعیت داخلی و جهانی خود را از دست می دهد و این تناقض خرد کننده برای جمهوری اسلامی یکی از موانع اساسی پیش روی جمهوری اسلامی است.

نکته دیگری که در این پلنوم به خوبی قابل مشاهده بود انسجام و یک دستی حزب، مصمم بودنش برای انجام وظایفی که پیش رو دارد و سنت هایی که در آن زنده هستند و ضامن سلامتی حزب هستند بود. این انسجام و یکدستی روی خط و سیاست های حزب، حول وظایفی که ما را برای انقلاب آماده می کنند، در کنار سیاست های رادیکال و انقلابی شرط اصلی توانایی حزب برای انجام وظایفش است که در این پلنوم با بحث های داغی که حول قطعنامه ها شد و در نهایت تصویب به اتفاق آراء قطعنامه ها به وضوح نمایان بود. حریت و منسجم بودن حول سیاست های آن در پلنوم بسیار چشمگیر بود، حزبی قوی و مصمم برای دور آتی فعالیت های آن از پلنوم بیرون آمد که نشان می دهد حریت و کار حزبی کردن نیز از نتایج این پلنوم است. مجموعاً پلنوم ۳۲ حزب را وارد دور جدید از فعالیت ها و انتظارات از خودش شد. حزب باید به خودش به عنوان نیروی جایگزین جمهوری اسلامی و دولت آتی نگاه کند و کاری کند که جامعه هم به این چشم به او نگاه کند و قبولش کند. کار هرکولی و عظیمی است که موقعیت امروز حزب ما را به اینجا رسانده است. اسناد حزب به زودی منتشر می شوند و در شماره های بعدی جوانان چاپ می کنیم.

بی شک برای پایان دادن به شرایط نکبت بار کنونی باید به قوه انقلابی مردم و در راس آن طبقه کارگر و حزبی جمهوری اسلامی را سرنگون کرد. شرایط برای چنین امر مهم، ضروری و عاجلی محیا است. حزب را باید تقویت کرد تا از پس چنین وظیفه سنگینی برآیم. فعالیت منسجم و حزبی، ارتقاء فعالیت های هر کدام از ما و انرژی و نیرو گذاشتن مان زیر پرچم حزب می تواند تضمینی باشد برای انقلاب و برپایی آزادی و برابری در ایران.

پابرهنه میان حرفها

یاشار سهندی

می‌روند.

ایشان اولین بقالی هستند که میگویند ماست من ترش است.

موسوی: با زور نمی توان کسی را به بهشت برد.

با زور که نه، اما با طناب دار آری.

محمد رضا فروتن: موسوی قلب و روحش نسبت به مسائل انسانی آگاه و حساس است.

لا بد برای همین روحش را به شیطان فروخته احمدی نژاد: برخی به من می گویند تو دیکتاتور هستی.

شما هم که خیلی بهت بر خورد!

علی دایی: برای حضور در نیوکاسل با من مذاکره شده است.

لا بد برای اینکه تسبیح چرخان واردی هستی.

سایت های حکومتی: آمادگی احمدی نژاد برای مناظره با او با ما درباره مدیریت جهان طرف را به راه نمیدادند سراغ کدخدا را میگرفتند

آیت الله صاعقی: زای دادن به دروغگو گناه است.

ورای به جنایتکاران عین ثواب است.

مولانا: سیاست بدون احمدی نژاد لطفی ندارد.

حرف حق جواب ندارد!

رضایی اخلاق در سیاست کم شده است.

از بی بی سی پرسید ایشانی از قول فرخ نگهدار و سازگارا و... میگویند کجاست.

زهر رهنورد: اگر آزادی نباشد هیچ چیز نداریم.

اشکال ندارد عوض آدم وقیح زیاد داریم رهنورد: زنان ما از قوانین قییم مابانه رنج

پلنوم ۳۲ حزب کمونیست کارگری ایران

بسیار وسیعی اتفاق می افتد بسیار شور انگیز است و این دو مسئله مشخص را روبروی حزب میگذارد. اول اینکه سازمان دهی پیگیری و رسیدگی به این بخش خود انرژی بیشتر و حتی سبک و نظمی متفاوت با قبل را میطلبد. دومین نکته اینکه روبروی مردمی که در راه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی تا به این حد پیش آمده اند میبایست هدفی واضح و مشخص گذاشت. به قول حمید تقوایی "قطاری که مقصدش مشخص نباشد راه نمی افتد". این پلنوم این کار را کرد و افق روشنی پیش روی این مبارزات گذاشت. جامعه کسی را انتخاب میکند که در این قامت حاضر شده باشد و این را به روشنی اعلام کند. این حرف تازه ای نیست. برای حزب ما از سالها پیش تا به امروز ما "حزب و قدرت سیاسی" منصور حکمت تا "حزب و قدرت دوگانه" حمید تقوایی این یک بحث همیشه باز مطرح بوده است. یک سر مهم مطرح بودنش هم این است که گرفتن قدرت سیاسی سالهاست که در جامعه ایران

باز است. به این دلیل و به دلیل اهمیت جغرافیایی و سیاسی خاص ایران است که هر تحولی در داخل و خارج از ایران تاثیر خود را بر روند این مبحث میگذارد و در عین ادامه روند قبلی بودن مدام به آپدیت شدن نیاز دارد. بحث این پلنوم در عین حال که ادامه این روند است یک پاسخ عاجل، مسرّم و عینی به شرایط پرتلاطم امروز ایران و اتفاقات حول ایران است و آن پاسخ عینی این است که ما به عنوان حزب کمونیست کارگری ایران، با رهبری اعتراضات مردم جمهوری اسلامی را نه تنها سرنگون خواهیم کرد بلکه جامعه را بر مبنای یک دنیای بهتر اداره خواهیم کرد و با این ظرفیت است که به جنگ جمهوری اسلامی میرویم. در نهایت بعد از اتمام پلنوم و تصویب قطعنامه ها به اتفاق آراء رهبری این حزب در عین نمایش انسجام و یکپارچگی اش، یک بار دیگر نشان داد که مصمم گرفتن قدرت سیاسی است و آمادگی نقش آفرینی و حضور در این قامت را دارد.

۱ ژوئن ۲۰۰۹

از سایت های زیر دیدن کنید:

www.newchannel.tv تلویزیون کانال جدید

www.iskraa.net ایسکرا کمیته کردستان حزب

www.exmuslim.net سازمان اکس مسلم

www.hambastegi.org فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

www.wpiran.org سایت رسمی حزب

www.cyoiran.com جوانان کمونیست

www.rowzane.com سایت روزنه

www.kargaran.org سایت کارگران

پاسخ به سبزه‌ها

زیادی دستمال یا شال سبز همراه دارند بعضی‌ها می‌گویند که حمله به کیهان شریعت مداری کم کاری نبوده است. وقتی با این افراد به دفعات به گفتگو نشستیم، از میان بحث‌ها به یک مسئله مشترک رسیدیم و بر آن شدم تا به آن پاسخ منطقی دهم. مسئله با قبول این نکته که کاندیداها دستشان به خون خیلی‌ها آلوده است و فساد مالی هم در پرونده خود دارند و اگر یک فرد سیاسی در غرب یک هزارم این جرایم را مرتکب شود، نه تنها از کاندیداتوری خلع می‌شود؛ بلکه دستگیر و علنی محاکمه می‌شود، ولی اینجا ایران است نه فرانسه یا سوئد تازه با رای ندادن حق دخالت خود را ازین بریدیم و اگر به خیابان‌ها برویم و اعتراض کنیم، مورد حمله نیروهای ضربتی رژیم قرار می‌گیریم با رای دادن می‌توانیم احمدی نژاد (که به نظر آنها بانی بحران اقتصادی کشور است) را از قدرت پایین بکشیم، در غیر این صورت احمدی نژاد دوباره قدرت می‌گیرد و باعث بی‌حیثیتی و سرافکنندگی کشور و مردم در آذنان عمومی جهان می‌شود. شاید با دادن رای به کاندیداهای اصلاح طلب بتوانیم به نوعی آزادی نیم بند (حداقل‌ها) دست یابیم. تازه با نابودی رژیم به بی‌ثباتی و شاید هم جنگ برسیم و نسل یا نسل‌ها را به تباهی می‌بریم، نتیجه ۵۷ را دیدیم، ثبات در بدترین شکلش از بی‌ثباتی بهتر است و معلوم نیست حکومت یعنی خوب باشد!

قبول داریم که این مسئله از چند مسئله تشکیل شده است ولی مسئله ای جامع و کلان است که تقریباً تمام سوالات بنیادین این افراد را در خود جای داده است، گرچه حزب ما به این سوالات مستقیم و غیره مستقیم پاسخ داده است لذا من سعی کردم به این سوالات در قالب یک مسئله، مختصر و مفید و یکجا پاسخ دهم؛ درست است که میان جامعه ایران و مثلاً کشور فرانسه یا سوئد تفاوت‌های فرهنگی بسیار وجود دارد، ولی این بدان معنا نیست که مردم ایران لایق حکومت دیکتاتوری هستند یا از شعور سیاسی برخوردار نیستند؛ جنبش کارگری که در منسجم و سراسری شدن است و جنبش دانشجویی که رو به رشد است، به این معنی که گرایشات حکومتی روز به روز پایگاه‌شان را در بین دانشجویان از دست می‌دهند و گرایش رادیکال هر چند هنوز غیر سازمان یافته ولی در حال رشد و شکوفایی است و

همچنین احزاب و تشکل‌های اپوزیسیون (جدا از اینکه چه خطی‌های گرایشی دارند) در داخل و خارج از ایران فعالند مخصوصاً جریان چپ که برآستی رشد سریعی یافته است و همین مسئله تغییر که فکر مشغولی این افراد است ریشه در همین جریان دارد و برآیند جریان چپ، رژیم را برآن داشته تا شعارهای خود را رویه جنبش کارگری و دانشجویی تغییر جهت دهد رژیم می‌که از اسم سوسیالیسم وحشت دارد، در لابلای مضحکه انتخاباتش از حقوق کارگران و تشکل‌های کارگری سخن می‌گوید! نتیجه اینکه علی‌رغم خفقان شدید، مردم اول ماه می می‌آیند و در برابر رژیم می‌ایستند، بنابراین نمی‌توان عقب ماندگی رژیم آخوندی را به حساب مردم گذاشت و این چنین گستاخانه مبارزات مردم را نادیده گرفته نکته دیگر حق دخالت است که باید در نظر داشت که انتخابات به هیچ عنوان عرصه دخالت دادن مردم در سرنوشت سیاسی کشورشان نیست و تنها نوعی شارلاتانیسم سیاسی است که مردم را پای صندوق‌های رای بیابورند و بعد با پخش فیلم انتخاباتی بگویند مردم ما را تأیید کردند، ما حکومت مطلوب مردم هستیم و جنایات و دزدی‌های کلان ما بخاطر مردم بود! سند ما هم حضور حماسی مردم در انتخابات است. در انتخابات رای به نماینده جریان یا حزب یا تشکل سیاسی است و مهم نیست به چه حزب یا تشکل رای می‌دهیم بلکه نفس خود رای دادن مهم است. در حالی که به نظر خود حکومت هم رای دادن مهم است نه اینکه به چه جریان یا حزبی رای بدهیم، با در نظر گرفتن این نکته که اساساً حزب و تشکل سیاسی در سیستم سیاسی ایران هیچ جایی ندارد و فعالیت حزبی غیر قانونی محسوب می‌شود رای دادن فی‌نفسه مهم است زیرا همانطور که عرض کردم رژیم می‌خواهد از این طریق مشروعیت دروغین رسانه‌ای کسب کند و مانند کشورهای پیشرفته رقابت حزبی برای کسب قدرت معنایی ندارد. نکته دیگر به خیابان رفتن است که حزب ما بر آن تأکید دارد، رای ندادن نوعی عقب نشینی است و حتماً باید اعتراض مستقیم کرد، دانشجویان و کارگران و فعالین سیاسی در حال اعتراض مستقیم هستند و به دلیل شرایط بحرانی رژیم، خصوصاً در روز انتخابات، وقتی مردم منسجم به خیابانها می‌آیند و مانند پارک لاله، در پارک تحصن کنند، رژیم نمی‌تواند به طور مستقیم به

جمعیت حمله کند زیرا انتخابات کاملاً منهدم می‌شود و این امر مشروعیت دروغین رسانه‌ای رژیم را کاملاً نابود می‌کند، این سیاست بر خلاف سیاست محافظه کارانه رژیم و اپوزیسیون طرفدارش! است که می‌خواهد شرایط آرامی بر جامعه حاکم باشد. در حال رژیم بازنده تحصن مردم خواهد بود.

این نوع نگاه خیلی کوتاه بینانه و نا پخته است که عامل اصلی بحران اقتصادی کشور یک شخص است، بحران اقتصادی رژیم مربوط به الان نیست بلکه ریشه در مجموعه اشتباهات سیاسی و سیستم نا کارآمد تولیدی و دیگر عوامل کلان در طی سی سال توسط سیستمی با بلوک قدرت است و این هم نوعی شارلاتانیسم است که احمدی نژاد جنایتکار و اقدامات او را تنها بانی مشکلات سیاسی و اقتصادی می‌دانند و گویی در صورت کنار رفتن احمدی نژاد همه چیز درست می‌شود و به حال اولیه بر می‌گردد! البته این امر واضح است مجموعه اقداماتی که رژیم در زمان احمدی نژاد اجرا کرد بر ناسامانی‌های سیاسی و اقتصادی افزود. هر جریان سیاسی با کارنامه خود شناخته می‌شود، میر حسین موسوی هم با کارنامه ۸ ساله خود به عنوان نخست وزیر و کارنامه همسرش در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دهه شصت شناخته می‌شوند، گورستان خاوران بخشی از کارنامه درخشان موسوی است، بنابراین ایشان در دوره خود بخشی از پایه‌های رژیم را مستحکم کرده است و شعار مسلمان نمی‌تواند سند باشد برای یک کاندیدا که کارنامه حضور مستقیم در قدرت ندارد چه برسد به کاندیدایی که در یکی از سیاه‌ترین دوره‌های سیاسی از قدرت سیاسی و اجرایی بسیار بالا برخوردار بوده است آزادی و رفاه یک حق مسلم برای تمام انسانها به طور مساوی است و نمی‌توان گفت آزادی نیم بند و حداقل حقوق ضمن اینکه رژیم آخوندی ثابت کرده است حتی در دوره اصلاحات هم مردم را از این حقوق به طور کامل محروم می‌سازد. این نکته نیز واضح است که قدرت سیاسی در ایران یک بلوک واحد است وقتی جوانی ویلاگ نویس بخاطر یک مقاله در زندان زیر شکنجه فوت می‌کند، نمی‌توان گفت کسی که رئیس جمهور می‌شود، قدرتی ندارد یا جنایات و مفساد اقتصادی به او ربطی ندارد، تازه با این فرض محال پس باز هم رئیس جمهور منتهم است که چرا در برابر

جنایات سکوت کرده و استعفا نداده است من فکر می‌کنم مردم ایران به خاطر مبارزاتشان علیه سرمایه داری و بربریت در جهان شهرت دارند تا جایکه روزی را برای همبستگی با کارگران ایرانی در نظر گرفته می‌شود و یا خیابانی را می‌خواهند در ایتالیا ۱۸ تیر بنامند، اینها همه حیثیت و افتخار مردم است و سیاستمداران رژیم فقط خود را رسوا می‌کنند و با اقدامات سرکوبگرانه خود موقعیت خود را در آذنان عمومی سست و موقعیت مردم را تقویت می‌کنند البته اقدامات حزب کمونیست کارگری در رساندن خبر مبارزات رهبری و راه اندازی جریان‌های مختلف در موقعیت‌های متفاوت نقشی اساسی دارد.

شکست و نابودی رژیم آخوندی امری محتوم است زیرا این رژیم بر پایه زور و قدرت مطلقه شکل گرفته حتی اینولوژیست‌های اصلاح طلب هم دیگر نمی‌توانند به بی‌ثباتی رژیم و بحران سراسری آن پایان دهند، زیرا بحران رژیم ذاتی و در تضاد با منافع مردم است. جریان اصلاحات در اوایل قدرت سیاسی شکست خورد و منجر به دستگیری و حمله به مردم شد؛ جالب اینکه سیستم در نهایت احمدی نژاد را در قدرت قرار داد.

انقلاب ۵۷ شکست خورد چون آلت‌ناتیوی وجود نداشت و همه پشت خمینی صف بستند، ولی الان حزب کمونیست کارگری که جریان چپ جامعه را رهبری می‌کند، آلت‌ناتیوی رژیم است. مسئله تضمین سیاسی امری غیر علمی و نامشخص است زیرا وقتی انقلاب رخ می‌دهد بی‌ثباتی که در طول سی سال گریبان گیر رژیم بوده است و رژیم سعی کرده با سرنیزه و دروغ‌ان را مهار کند، به پایان می‌رسد و جامعه حیات سیاسی جدیدی میابد که مسلماً با تجربه مردم و حزب، جامعه به ثبات می‌رسد. گرچه رژیم آخوندی در طول دوره حیات خود بحران سیاسی و طبعا اقتصادی عمیقی را ایجاد کرده است ولی این بحران را با سیاست منطقی و حساب شده می‌توان رفع کرد، یکی از این بحران‌ها جنگ سرد با دیگر کشورها است که ریشه سیاسی دارد، در برنامه یک دنیای بهتر به این مسئله اشاره شده است که روابط جمهوری سوسیالیستی با دیگر کشورها عادی و دوستانه است و خوب حزب هم از نفوذ خوبی در اروپا و آمریکای شمالی برخوردار است و این به یمن پیش برد کمپین‌های موفق چند ساله اخیر بوده است و دولت آینده باید ابتکار عمل داشته باشد و

بتواند با سیاست منطقی و حل مشکلات سیاسی و عادی سازی روابط از وقوع احتمالی جنگ جلوگیری کرده و سعادت و رفاه را برای جامعه به ارمغان بیاورد.

در حاشیه

دامون جان مسئله قشری از جامعه که اساساً محافظه کار و طرفدار حفظ وضع موجود هستند را خیلی خوب طرح کردی و نظرشان درست همین است که می‌گویند باید در سرنوشت خود دخالت کنیم جالب است، هر چهار سال یکبار یادشان می‌آید با نوشتن نام یک جنایت کار روی کاغذ در سرنوشت خود دخالت کنند، آن‌هم کاغذی که خود جنایتکاران به تقلب و دزدی در آن اعتراف می‌کنند و به جان هم می‌افتند و این قشر محترم عین خیالش نیست! باید بهشان گفت به قول دانشجویان زنجان کاندیداهای شما ابتدا باید در دادگاه مردم حساب جنایاتشان را صاف کنند بعد ادعای بهبود شرایط داشته باشند می‌گویند احمدی نژاد باعث سرافکنندگی ایران شده است، هیچ فکر نمی‌کنند مشارکت از طریق رای دادن در حفظ نظام اسلامی‌ای که کودک را اعدام می‌کند و حقوق کارگر را نمی‌دهد و دانشجویان زنجان می‌کند باعث سرافکنندگی شان می‌شود؟ می‌گویند هر ثباتی بهتر از بی‌ثباتی است! این نشان دهنده وضع نسبتاً بی‌ثبات این قشر است. معلوم است مثل ۸۰٪ جامعه زیر خط فقر زندگی نمی‌کند، معلوم است هر آن منتظر و نگران اعدام شدن یک کودک دیگر نیست، معلوم است سرکوب زن و اعمال آزارتایید جنسی در جامعه وضعیتش را به هم نمی‌زند و مشکلی با آن ندارد که این وضعیت را با ثبات می‌پندارد، معلوم است منافعش در این شرایط تا حدودی برآورده می‌شود و به نفعش نیست مبارزات کارگران و دانشجویان را به رسمیت بشناسد و حتی ببیند ملام با خود و دور و بریهایش تکرار می‌کند، انشاالله که هیچ خبری نیست و بلند بلند اعلام می‌کند، که ما که نمی‌توانیم اینها را سرنگون کنیم پس قبولشان کنیم در واقع حرف دلش این است که انشاالله مردم نمی‌توانند این‌ها را سرنگون کنند اینها از زاویه منافع و موقعیتشان به قضایا نگاه می‌کنند و تصمیم می‌گیرند و مشکلاتشان نمانستن بد فهمی نیست ولی حتماً عده‌ای هستند که فقط تحت تأثیر این تبلیغات در چنین موضعی قرار می‌گیرند که باید بهشان واقعیت را گفت و به صف عظیم مبارزه و اعتراض دعوتشان کرد. نوید

جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده!

اسلامی در تظاهراتی با خواست آزادی کلبه کارگران زندانی و نیز حمایت از مبارزات کارگری در ایران، در تاریخ چهارشنبه ۲۷ مه ۲۰۰۹ در مقابل سفارت رژیم اسلامی در "اتاوا" شرکت کردند. تظاهرات کنندگان خود را از شهرهای تورنتو و مونترال کانادا در هوایی بارانی به محل تعیین شده رسانده و همراه با تعدادی دیگر از مخالفین رژیم اسلامی ساکن شهر اتاوا، ساعتی را به شعار دادن و افشاکاری بر علیه رژیم اسلامی پرداختند. در این تظاهرات، ضمن اشاره به جنایات و سرکوبگری‌های رژیم و نادیده گرفتن پایه ای ترین حقوق شهروندی، تجمع کنندگان تنفر و انزجار عمیق خود را از دستگیری‌های اول ماه "مه" اعلام داشته و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط این دستگیر شدگان و نیز کلبه زندانیان سیاسی شدند. شرکت کنندگان، همچنین با صدای بلند اعلام کردند که اجازه نخواهند داد که رژیم جانین اسلامی، همچنان به سرکوبگری های خود ادامه داده و به خواسته‌های میلیونی مردم ایران و آزادیخواهان و برابری طلبان سراسر جهان بی توجهی کند.

فعالین حزب کمونیست کارگری همراه با دیگر مخالفین جمهوری اسلامی، همچنین در مورد اعمال بی حقوقی های وسیع نسبت به کارگران، زنان و دانشجویان ایران با عابرین به بحث و گفتگو پرداختند و آنها را در جریان سرکوبگریها و دستگیریهای اول ماه "مه" امسال قرار دادند. "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "زننده باد سوسیالیسم"، "لانه جاسوسی رژیم اسلامی تعطیل باید گردد" و "مرگ بر کاپیتالیسم" از جمله شعارهایی بود که بزبانهای فارسی و انگلیسی در مقابل سفارت رژیم در اتاوا سر داده شد. علاوه بر شعارهایی که از جانب تجمع کنندگان با صدای بلند فریاد زده می شد، پیاده رو مقابل لانه جاسوسی رژیم اسلامی، با پلاکاردهای متعدد و شعارها و همچنین عکسهای از شکنجه و طناب دار بر کردن اعدام شدگان، آذین شده و توجه گرم و صمیمانه بسیاری از عابرین را بخود جلب کرد. شعارها و پلاکاردهای تجمع کنندگان همچنین با

صدای بوق همبستگی ماشینهایی که در حال حرکت بودند، مورد استقبال قرار می گرفت. ماشینها و عابرین با صمیمیت اطلاعاتیه های افشا کننده را از مخالفین می گرفتند و آنها را مطالعه می کردند. در عین حال، مقامات و مسئولان سفارتخانه رژیم، در چند مورد و به هنگام ورود و خروجشان به داخل سفارت، با فرهنگ ارتجاعی اسلامی مختص خود، اقدام به ناسزاگویی به تجمع کنندگان نمودند که به عکس العمل تند تجمع کنندگان و شعار "مزدور برو گمشو، مزدور برو گمشو... از سوی تجمع کنندگان مواجه شده و دخالت پلیس را برانگیخته. اوباشان لباس دیپلمات پوشیده رژیم از میان درز کرکره های پنجره لانه جاسوسی رژیم از تظاهرات و تجمع مخالفین عکس و فیلم می گرفتند تا بتوانند با این اقدام توجه تجمع کنندگان را بخود جلب کرده و ارباب و شکنجه جاری در ایران را به آنها یادآوری کنند.

در بخشی از این مراسم، تجمع کنندگان سخنان کوتاهی نیز ایراد کردند. بابک یزدی و رضا پایدار از سخنرانانی بودند که به نمایندگی از حزب سخن گفتند و در کنار آن یدی محمودی نیز گزارشی از این تظاهرات را بطور مستقیم برای تلویزیون کانال جدید ارسال داشت. "بابک یزدی"، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و دبیر تشکیلات شرق کانادا، ضمن اشاره به سی سال جنایتهای حکومت اسلامی افزود: حاکمان جنایتکار اسلامی نماینده مردم ایران نیستند. اینها نماینده سه دهه قتل، کشتار و جنایت بر علیه مردم ایران هستند که باید جارو شوند. اینها با کمال بی شرمی و از ترس گسترش اعتراضات مردم، در صبح اول ماه "مه"، "دلارا دارایی" را اعدام کرده و به تظاهرات هزاران نفره مردم در پارک "لاله" هجوم بردند. کارنامه این جانین، مملو از قتل، کشتار، سرکوب و جنایت است. اینها باید زیر کشیده شوند و از تمام نهادها و سازمانهای بین المللی اخراج گردند. بابک یزدی در بخش دیگری از سخنانش گفت: "برهم زدن مراسم اول مه ۸۸ پارک لاله و دستگیری فعالین کارگری، فقط یکی از دهها و صدها وحشیگری و قتل و جنایت رژیم است که در طول سی سال گذشته بارها مخالفین خود را به صورت اسلامی

از سر راه برداشته است. او به حمله به کردستان، ترکمن صحرا، به قتل عامهای سالهای ۶۰ و ۶۷ و غیره اشاره کرد و گفت که پرونده این رژیم پر است از قتل و جنایت و شکنجه".

همچنین "رضا پایدار"، کادر حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن سر دادن شعارهایی که نشاندهنده عمق نفرت و انزجار شرکت کنندگان از دستگیریها و سرکوبگریهای رژیم در اول ماه "مه" بود، در مورد مضحکه انتخاباتی پیش روی جمهوری اسلامی اعلام کرد که "رژیم جنایتکاران قصد دارد اینبار هم افضاح و نمایش انتخاباتی خود را برگزار کرده و بار دیگر فاشیست و آدم کش دیگری را به مردم ایران قالب کند." او در ادامه گفت: "حزب کمونیست کارگری ایران اطمینان می دهد که همانطور که در سالهای قبل بساط انتخاباتی اینها را بر سرشان خراب کرده است، اینبار هم اجازه ندهد که این جانین بتوانند نمایش و افتضاح انتخاباتی خود را در خارج از ایران برپا کنند و ما این بساط را بر سرشان خراب خواهیم کرد."

یکی دیگر از سخنرانان این تجمع اعتراضی، "دونالد لاپلور" بود که به نمایندگی از ۵۴۰۰۰ عضو کارگر اتحادیه پست کانادا در این تظاهرات شرکت کرده بود. او ضمن اشاره به سرکوبگریهای رژیم اسلامی و اینکه روز اول ماه "مه" یک روز جهانی کارگری و متعلق به کارگران است، اضافه کرد: "کارگران حق دارند در این روز مطالبات و حقوقی را که از آنها ضایع می شود، فریاد کنند. ما به سرکوبگریهای رژیم اسلامی معترضیم. نگرانی خود را از حملات سرکوبگرانه حکومت ایران بر علیه کارگران اعلام می کنیم و از آنها می خواهیم که این دستگیر شدگان را هر چه سریعتر آزاد کنند." سخنان وی با تشویق شرکت کنندگان در این مراسم همراه بود. او بعنوان نماینده کارگران اعضای اتحادیه پست کانادا در این مراسم حضور بهم رسانده و از جانب آنها خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلبه دستگیر شدگان اول ماه "مه" شد. شرکت کنندگان هم ضمن تکرار آزادی بی قید و شرط زندانیان اول ماه "مه" و در حالیکه هوا بشدت بارانی بود، سرود "انترناسیونال" را سر داده و محل را ترک کردند. با این سؤال در ذهنشان که آیا

فرهنگ اصطلاحات سیاسی

رامتین تقوی- ایران

آپارتاید : (apartheid)

آپارتاید که معنی آن جداسازی است، نامی است که دولت آفریقای جنوبی به نظام تبعیض نژادی خود داده است. این نظام، سکنه سفیدپوست را که کمتر از یک پنجم جمعیت کشور را تشکیل می دهد، قادر می سازد که کنترل امور جمهوری را عملاً به دست داشته باشد و به استثمار اکثریت غیر سفید ادامه دهد. امروزه از این واژه در جوامع مرتجع در رابطه با مسائلی چون جنسیت و رده سنی نیز بکار می رود. سیاست و عمل غیر انسانی آپارتاید با جنایات نازی ها قابل مقایسه است. البته آپارتاید در ادبیات سیاسی صرفاً جدا سازی نیست، بلکه اختیارات و بخش اعظم امکانات جامعه را در اختیار بخشی از جامعه قرار دادن است. مثلاً در جمهوری اسلامی ایران که نظام آپارتاید جنسی است، نه تنها زن و مرد را از هم جدا کرده اند بلکه زنان را زیر شدیدترین سرکوب ها قرار داده و از بخش عظیمی از امکانات اجتماعی و حقوق انسانی محروم کرده اند.

حکومت اشرافی ، آریستوکراسی (aristocracy)

حکومت اشراف و برگزیدگان و یا گروه محدودی از افراد ممتاز یا طبقه بالا . در یونان باستان به حکومت نیکان و شایستگان گفته می شد . به نظر ارسطو ، حکومتی که صلاح عموم را در نظر داشته باشد و به دست گروهی از مردم (دانایان و شایستگان) اعمال شود آریستوکراسی خوانده می شود و اگر از راه راست بیرون افتد ، تبدیل به الیگارشی می گردد . اصطلاح آریستوکرات نیز در مورد قشر فوقانی ، صاحب امتیاز و

بالاخره می توانند نقطه پایانی بر این بساط سرکوب، کشتار و جنایت بگذارند. باید هر چه توانمند تر در این مبارزه ظاهر شد، روزهای سختی در پیش است. روزهای انقلاب و با تمام اینها نیروی انسانیت می تواند و باید پیروز شود. راه دیگری وجود ندارد.

نفوذ از یک طبقه یا گروه اجتماعی که از حقوق و امکانات مخصوص برخوردار است، به کار می رود .

قیام مسلحانه : (Armed uprising)

هنگامی که توده مردم یک کشور به منظور واژگون کردن حکومت کهنه پرست خود متوسل به اسلحه شده بخواهند با مبارزه مسلحانه، زمام امور را به پیشوایان خود واگذار کنند، قیام مسلحانه به وقوع پیوسته است . قیام مسلحانه می تواند بخشی از هر انقلابی باشد که در صورت مقابله مسلحانه حکومت موجود با قیام کنندگان مردم نیز به ناگزیر برای سرنگونی حکومت دست به اسلحه می برند.

حکومت استبدادی ، سلطنت فردی : (autocracy)

حکومتی که در آن، ساختار قدرت شامل ویژگیهای زیر است: تمرکز شدید قدرت در دست یک نفر، فقدان قوانین و سنتهایی که بر کاربرد قدرت حدی گذارد، فقدان حدود سنتی و قانونی بر اقتدار زمامدار؛ شکلی از حکومت که در آن قدرت بدون اتکا، به قوانین اساسی ملون در کف اختیار یک فرد قرار داشته و از هیچگونه محدودیت قانونی برخوردار نیست. جمهوری اسلامی یکی از بارز ترین نمونه های حکومت های استبدادپرست، سلطنتی نیست ولی ققیه در این حکومت از اختیارات نا محدود و فرا قانونی برخوردار است و با حکم حکومتی می تواند هر تصمیم مجلس و سایر ارگان ها را وتو کند. انتخابات هم در چنین حکومت هایی معنی انتخابات را ندارد و صرفاً نمایشی مضحک برای تایید حکومت از طرف مردم است.

با پوزش از دوستانی که مطالب دیگری فرستاده اند از جمله سهند کوشا و پرویز پوینده عزیز، دوستانی که نامه داده اند هفته آینده از مطالبشان استفاده می کنیم. ج . ک